

پیش‌خوانی

حاشیه‌ای بر انتشار اثر تاریخی «رهبری به نام نواب»

طلایه‌دار استقلال در دوران وابستگی

رضامدزاده



همه‌جا خیابان‌های نطفی، چراغ‌های پر نور، همه‌جا عدالت، همه یکسان، آب‌های روان و درختان سبز و دل‌های پر مهر و محبت و فضایی پر از نغمه قرآن و آذان گویا ایرانِ آپهشت جهان است.»

ایران به علت موقعیت استراتژیک خود همواره مورد توجه‌دول استعمار گر بوده‌است:زمانی که موج استعمار به سواحل ایران رسید زمینه روی کار آمدن حکومت وابسته و تأمین‌کننده منافع استعمارگران نیز فراهم شد.انقلاب مشروطه که در واقع واکنشی در مقابل این شکست‌ها و دخالت‌ها بود تا کام ماند و در جریان جنگ اول جهانی بیگانگان بر مملکت استیلا یافتند. پس از جنگ انگلیسی‌ها رضاخان را سر کار آوردند و حکومت دیکتاتوری رضاشاه برای تحمیل تجدد فرامشی به ملت ایران به‌سختگیری بر علما و تعطیلی مراسم مذهبی و سر کوبی هر گونه ندای آزادیخواهی پرداخت. حکومت رضاشاه دین را عامل عقب‌ماندگی جامعه معرفی می کرد و به‌شدت با مظاهر دینی می‌جنگید. کشتار مردم‌گناهه گوهرشاد شاهدهی بر این مدعااست. پس از تبعید رضاشاه از ایران گروهی از تنوریسین‌های ضد دین با حمایت حکومت هر روز بخشی از اعتقادات دینی را به چالش می‌کشیدند که این امر برای علمای نجف – که قطب دینی جهان اسلام بودند- قابل تحمل نبود. از این‌رو صدور فتوا برای قتل احمد کسروی را باید از این منظر دید. جمعیت فداییان اسلام به رهبری نواب صفوی با دغدغه مذهبی شکل گرفت و به رهبری خردمندانه ایشان با مظاهر استبداد و استعمار جنگید. قتل اشخاص وابسته‌های همانند رزم آرا هژبر و…



۱۳۲۷. شهید نواب صفوی در کنار آیت‌الله کاشانی

مانع بر سر راه می‌شدن صنعت نفت بودند، جزئی از کارنامه درخشان فعالیت این گروه‌است. آنان بدون شک در ملی شدن صنعت نفت سهم عمده‌ای داشتند. اثر «رهبری به نام نواب»کوششیده‌است تا یک دهه مبارزه فداییان اسلام را به رهبری نواب برای خواننده روایت کند. نویسنده کتاب بخش آغازین تحقیق خود را اینگونه آغاز کرده‌است:

«۲۰ سال از انقلاب مشروطیت می‌گذشت. مردم ناامید و فقیر، کشور به دست اجانب اسیر و آزادی خواهان در چنبره دیو استبداد گرفتار بودند. مردم ایران روزگار سختی را می‌گذراندند و جامعه ایران با غارت و چپاول، ناامنی، فقر و ناامیدی شناخته می‌شد. استقلال‌راضی و سیاسی کشور بر اثر بی‌کفایتی زمامداران بارها از سوی دول استعماری روسیه و انگلستان زیر سؤال رفته بود. عقد قرارداد ۱۹۱۹ توسط وثوق‌الدوله ایران را به‌طور رسمی به دست اجانب سپرده بود. در این دوران که از تاریک‌ترین ادوار تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود، استقلال ایران به صورت مطلق زیر آموده و در هر گوشه‌ای از خاک کشور بساط ملوک‌طوئافی برپا بود.»

در واقع تا سال ۱۹۱۷ امور داخلی ایران به‌وسیله سفارتخانه‌های روسیه و انگلستان و در کمک قوای اشغالگر اداره می‌شد و یک نوع رژیم «داره مشترک» برقرار بود. بعد از انقلاب اکتبر و خروج روسیه تزاری از صحنه دولت انگلستان بدون رقیب و فعال مایشاه شد و زمامداران آن کشور قصد داشتند به‌وسیله قرارداد وثوق‌الدوله ایران را مانند بعضی دیگر از کشورهای خاورمیانه کملاً تحت حمایت و نفوذ خود در آورند. آنها این کار را هم کردند، اما مخالفت آزادخواهان باعث لغو قرارداد ۱۹۱۹ وثوق‌الدوله شد و سید ضیاءالدین، صاحب‌کابینه سیاه این خبر را با سر و صدا و تبلیغات فراوان به اطلاع عموم رسانید و در همه جا جشن و چراغی برپا شد. چیزی نگذشت که در ترکیه، همسایه غربی ایران تحت تأثیر فضای پس از جنگ جهانی اول مجلس ترکیه در سپتامبر ۱۹۲۲ و بعد از آذاری است که این کشور از سلطنت خلع و در اکتبر ۱۹۲۳ (۷ آبان ۱۳۰۲) تأسیس جمهوری ترکیه را اعلام کرد. در ایران هم سردار سپه که از مدت‌ها قبل با ادغام دیوبزیون قزاق، زاندارمری دولتی، بریگاد مرکزی و سایر قوای پراکنده نظامی ارتش جدید و قدرتمندی را به وجود آورده و نقش مهمی در تأمین امنیت داخلی ایجاد کرده بود… این اثر پژوهشی نوانشار، در عداد آثاری است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای آشنایی نسل جوان با مبارزات فداییان اسلام منتشر شده و می‌تواند گوشه‌هایی از تاریخ معاصر را بر مخاطب جوانی حقایق آشکار سازد.



«باز خوانی فرازهایی از تاریخچه نهضت اسلامی» به بهانه سالروز ارتحال آیت‌الله حاج آقا مهدی حائری تهرانی

تلاش و تکاپو برای حاکمیت اسلام

رحیم نیکبخت

۱۵سال پیش در چنین روزهایی، عالم مهدی حائری تهرانی دارفانی را وداع گفت و رخ در نقاب خاک کشید. آن مرحوم در کنار فعالیت‌های گسترده اجتماعی، سابقه سیاسی نمایانی داشت که پیشینه آن به دوران نهضت ملی و مبارزات فداییان اسلام باز می‌گردد. مقالی که پیش‌روی دارید کوششیده‌است تا با بازخوانی فرازهایی از تاریخچه نهضت اسلامی به نقش آیت‌الله حائری در آن رویدادها اشاراتی داشته باشد. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

■ در آغاز نهضت اسلامی

عالم فقید حضرت آیت‌الله حاج شیخ مهدی حائری تهرانی همچون سایر علما و روحانیون، با شروع نهضت اسلامی به رهبری مراجع و در رأس آنها حضرت امام خمینی وارد مبارزات سیاسی علیه حکومت پهلوی شد. وی با وعظ و گویندگان سختکوش نهضت ارتباط نزدیک و مداومی داشت. حضرت آیت‌الله حائری تهرانی از نزدیک با حجت‌الاسلام فلسفی، واعظ معروف نیز مرتبط بود. ایشان درباره این ارتباط و دوستی خود گفته‌است: «اینجانب پای منبر حجت‌الاسلام فلسفی در مسجد جامع تهران بودم. ایشان در آن مجلس علیه شاه ملعون و به حمایت از قیام امام خمینی(ره) سخنرانی کرد و شاهد بودم در مردم تأثیر زیادی گذاشت و انقلابی را به وجود آورد… در مسجد ترکی‌ها به آن منبر استیضاحی علیه دولت رفتند. بنده هم آنجا حضور داشتم و آن هم مانند بومی از رفقای روحانی، از جمله مرحوم آیت‌الله حائری معروف شد.»^(۱)

آیت‌الله حائری تهرانی علاوه بر حضور در مجالس سخنرانی و وعظ انقلابی در تظاهرات تاسوعا و عاشورا ای سال ۱۳۴۲ هم شرکت داشت. آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی گرامی در خاطرات خود در محدوده مرکز شهر، مثل خیابان ۱۵ خرداد، اطراف مسجد ارک و چهارراه سیروس خیلی شلوغ شده بود و عده‌ای نیز کشته شده بودند. البته دور روز قبل از این ماجرا نیز راهپیمایی مفصلی برپا شده بود که برخی از رفقای روحانی، از جمله مرحوم آیت‌الله حائری تهرانی نیز جلوی جمعیت حضور داشتند و حتی تا نزدیک کاخ شاه رفته و شعار داده بودند؛ خمینی خمینی خدا نگهدار تو، بمیرد، بمیرد، دشمن جبار تو، بعضی نقل می‌کردند خود شاه هم حضوراً جمعیت را می‌دید.»^(۲)

با انتشار خبر دستگیری امام خمینی در صبح روز ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ (۱۲ محرم) قیام تاریخی ملت ایران به وقوع پیوست. بلافاصله پس از انتشار این خبر در اغلب شهرهای ایران مردم به خیابان‌ها ریختند و در مقابل مساجد و منازل علما برای کسب تکلیف تجمع کردند. حرکت اعتراضی و خشم مردم تهران، قم و ورامین یا گلوله به خاک و خون کشیده شد.^(۳) با دستگیری حضرت امام، علما و روحانیون به تکاپو افتادند و رژیم پهلوی پس از عاشورا تعداد قابل توجهی از وعظ انقلابی را دستگیر و زندانی کرد.

تاریخ

کتب و کوا ۸۸۴۹۸۴۳۸

۱۳۵۹ آیت‌الله حاج آقا مهدی حائری تهرانی

۱۵سال پیش در چنین روزهایی، عالم پر تلاش و خدوم مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی حائری تهرانی دارفانی را وداع گفت و رخ در نقاب خاک کشید.

آن مرحوم در کنار فعالیت‌های گسترده اجتماعی، سابقه سیاسی نمایانی داشت که پیشینه آن به دوران نهضت ملی و مبارزات فداییان اسلام بازمی‌گردد

مرحوم آیت‌الله حائری تهرانی ضمن خاطراتی که از مرحوم فلسفی گفته‌است، به دستگیری خود اشاره می‌کند: «… سپس مجلسی متشکل از حدود ۳۰ تن از علمای بزرگ تهران برای آزادی امام خمینی تشکیل شد که بنده هم در خدمت آقایان بودم. شهربانی همه ما را دستگیر کرد و در زندان با جناب آقای فلسفی در یک جا بودیم…»^(۱) بر اساس اسناد ساواک، جلسه‌ای که مرحوم آیت‌الله حائری تهرانی به آن اشاره کرده‌است، در منزل شخصی روحانی‌ای به نام موسوی خلخالی تشکیل شده بود.^(۲) در گزارش دیگر ساواک، مشخصات فردی، نام، نام پدر، سن و محل سکونت و وعظ دستگیر شده مشخص شده‌است. بند ۲۴ سند فوق به آیت‌الله حائری اختصاص دارد: «اسم: مهدی؛ اسم پدر: عباس؛ شهرت: حائری تهرانی؛ سن: ۲۹؛ شغل: امام جماعت و مدرس؛ محل سکونت: سید نصرالدین، کوچه کدخد، منزل ایروانی…»^(۳) در سند دیگری اسامی ۳۰ روحانی که در حال تشکیل جلسه دستگیر شده‌اند، گزارش شده‌است.^(۴)

■ **اعتراض به تبعید رهبر نهضت اسلامی**

این کشور، محل تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق تغییر کرد. رژیم پهلوی بر آن بود با تغییر محل تبعید رهبر نهضت اسلامی هم از فشار افکار عمومی داخل ایران رها شود و هم با اقامت حضرت امام در نجف اشرف مقام و مرجعیت ایشان تحت‌الشعاع مراجع عظام تقلید مقیم آنجا واقع شود. فضلا و استادان حوزه علمیه قم به محض اطلاع از تبعید محل تبعید حضرت امام نامه سرگشاده‌ای به حضرت امام به شرح زیر صادر کردند: «هر چند انتقال حضر تعالی از ترکیه به عتبات عالیات از جهتی مایه خرسندی است، ولی ادامه تبعید آن مرجع عالیقدر که به خاطر دفاع از قرآن و حقوق ملت اسلام و حمایت از استقلال و تمامیت ارضی کشور اسلامی ایران صورت گرفته‌است، بسی موجب تأثر و تفرغ عموم ملت ایران است. ملت شریف مسلمانان ایران و حوزه علمیه قم که از حمایت مقدس آن قائد عظیم‌الشأن پیروی می‌کنند و برای تأمین و اجرای آن از هیچ‌گونه فداکاری دریغ ندارند، انتظار دارند که به‌زودی موانع برطرف شود تا با مراجعت حضر تعالی به حوزه علمیه قم و تدابیر خردمندانه و رهبری‌های ارزنده آن زعیم عالیقدر مصالح عالیه اسلام و ایران و حقوق از دست‌رفته ملت تأمین شود. ادام الله ظلمک علی رؤوس الأنام»^(۱)

فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم پس از دستگیری فرزند آیت‌الله قمی در مشهد، تلگرافی را تهیه و به مشهد ارسال کردند. و نویشتی از این‌تلگراف در اسناد ساواک برجای مانده و در آن قید شده‌است: «همواره مجاهدات و فداکاری‌های حاضر تگالی در دفاع از حریم مقدس اسلام مورد توجه عموم مسلمین و حوزه علمیه قم بوده‌است، ما تأثرات شدید خود را از پیامد ناگوار بازداشت غیرقانونی آقا‌زاده معظم ابراز می‌داریم.»^(۲) در میان امضاکنندگان این تلگراف نام شخصیت‌هایی همچون آقایان نوری همدانی، حسینعلی منتظری، سیدمحمدرضا سعیدی، علی مشکینی، محمد مفتح، علی قدوسی، ربانی شیرازی و مهدی حائری تهرانی دیده می‌شد.

پس از تبعید حضرت امام و در آستانه ماه رمضان سال ۱۳۴۴، علمای مبارز حوزه علمیه قم در ادامه فعالیت‌های انقلابی خود استغفایی تهیه و آن را برای

آیت‌الله‌العظمی میلانی و آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ارسال کردند. در این استفتا قید شده بود در ماه مبارک رمضان طلاب و محصلان علوم دینی اگر در فعالیت‌های تبلیغی خود و اشاره به مسائل سیاسی روز و جریان مبارزات حضرت امام با توضیقاتی مواجه شدند، وظیفه چیست؟ در این استفتا که به صورت اعلامیه هم منتشر شد، نام آیت‌الله حائری تهرانی دیده می‌شود.^(۳)

در ماه رمضان سال ۱۳۴۴ که با زمستان مقارن بود، فعالیت‌های علمای مبارز تشدید شد. طبق گزارش‌های ساواک از مناطق مختلف، به‌ویژه در شب ولادت امام حسن(ع) در مساجد نامه سرگشاده جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم خطاب به نخست‌وزیر به همراه متن جواب حضرت امام خطاب به علمای حوزه علمیه قم توزیع شده بود.^(۴)

■ **جمعیت ۱۱ نفره**

در سال ۱۳۴۲ برخی از فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم دست به ایجاد یک گروه منسجم و مخفی تحت پوشش اصلاح حوزه زدند.^(۱) توجه به مندرجات اساننامه جامعه مدرسین – که بعد از انقلاب نوشته شده‌است – گروهی از فضلا از جمله حضرت آیت‌الله حائری تهرانی – که در جمعیت ۱۱ نفره هم عضویت داشت – از زمان آیت‌الله‌العظمی بروجردی از پایه‌گذاران طرح اصلاح حوزه معرفی شده‌اند.^(۲) اسامی گروه ۱۱ نفره به این شرح است:

آیت‌الله آذری قمی، آیت‌الله امینی، آیت‌الله حائری تهرانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، آیت‌الله ربانی شیرازی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، شهید قدوسی، مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله منتظری.^(۳) هدف عمده این جمعیت، ادامه مبارزات علیه رژیم پهلوی و دفاع از قوانین اسلامی برای اجرای کامل قوانین اسلام در تمام ابعاد به رهبری حضرت امام و نیز اصلاح حوزه علمیه قم بود.^(۴)

حضرت آیت‌الله حائری تهرانی به گواهی اسناد و مدارک یکی از چهره‌های فعال این جمع بود تا جایی که پس از تبعید حضرت امام از ایران جامعه مدرسین در اعتراض به این عمل به تعطیلی دروس حوزه دست زد. به همین منظور مقرر می‌شود آقایان فاضل لنکرانی، محمد گیلانی، حسینعلی منتظری و حائری تهرانی به منزل آیت‌الله شریعتمداری بروند و وی را به تعطیلی دروس خود وادارند که موفق نمی‌شوند.^(۵) این گروه مبارز ۱۱ نفره برای تشکیلات خود

روزنامه جوان | شماره ۴۲۳۶

به عمل آید.»^(۱)

■ **سفر اجباری به نجف در پی لو رفتن جمعیت ۱۱نفره**

ساواک که از کشف اساننامه به هراس افتاده بود، اقدام به دستگیری اعضای اصلی این گروه ۱۱ نفره کرد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای مکتسوب درباره مبارزات حضرت آیت‌الله حائری در این گروه نوشته‌است: «قبل از شروع مبارزات حوزه، سهم ایشان در تنویر افکار طلاب و مردم از ظریف‌کاری‌های فرهنگی و اجتماعی بود و پس از دستگیری امام و داغ شدن فضای سیاسی حوزه و جامعه ایشان در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های حرکت انقلاب حضور داشتند و یکی از مشخص‌ترین آنها عضویت ایشان در گروه ۱۱ نفری فقهای قم‌است که در ظاهر به عنوان اصلاح حوزه عمل می‌کرد و در واقع برای تعمیق مبارزه و جهت دادن آن به سوی حکومت اسلامی فعال بود. این ۱۱ نفر عبارت بودند از آقایان: ۱- مرحوم ربانی شیرازی ۲- مرحوم منتظری ۳- مرحوم احمد آذری ۴- شهید قدوسی ۵- مرحوم حائری تهرانی ۶- مقام معظم رهبری آقای خامنه‌ای ۷- سیدمحمد خامنه‌ای ۸- مصباح یزدی ۹- ابراهیم امینی ۱۰- آقای مشکینی و ۱۱- خودم (هاشمی رفسنجانی). جمع ما سازمان منظم و اساننامه مقتضی داشت و تحرکات حوزه و روحانیت را اداره می‌کرد و کارهای بزرگی انجام می‌داد. با کشف تصادفی آن توسط ساواک از طریق دیدن اساننامه آن در بین کتاب‌های کتابخانه مرحوم آذری، این سازمان شناخته شد و جمعی بازداشت و عده‌ای آواره شدند.»^(۲)

از جمله شخصیت‌هایی که توسط ساواک دستگیر و بازجویی شد، شهید آیت‌الله علی قدوسی بود. در برگه‌های بازجویی موجود در پرونده وی اشاراتی به نقش و جایگاه مرحوم آیت‌الله حائری تهرانی در این گروه وجود دارد: «س – سرکار از چه تاریخی در این جلسات شرکت کردید؟ اعضای شرکت‌کننده چه کسانی بودند؟ هدف از تشکیل جلسات مزبور چه بود؟ و بر مبنای چه اصولی منویات شرکت‌کنندگان اجرا می‌شد؟ ج – تقریباً از دو سال قبل شرکت داشتیم و پس از یک سال جلسات و قهرا شرکت بنده نیز تعطیل شد. هدف از تشکیل این جلسات طرف‌داری از مبنای مقدس دینات اسلام و سعی و کوشش در ترویج احکام به منظور بهتر شناختن این دین مبین بر مبنای اصول اسلام و قوانین مملکت و حفظ قانون اساسی بود. اعضای شرکت‌کننده



در بیست‌وسال قبل نواب

عبارتند از: آقای عبدالرحیم آربانی [شیرازی، آقای سیدعلی منتظری، آقای علی مشکینی، آقای احمد آذری، آقای ابراهیم امینی، آقای محمد تقی مصباح، آقای علی‌اکبر هاشمی، آقای مهدی حائری تهرانی و علی قدوسی. بر مبنای اساننامه‌ای که قبل از شرکت بنده در اختیار آقای اساننامه‌دار شد، ولی پس از بحث و گفت‌وگوی مفصلی درباره جزئیات آن، در جلسه تصویب نشد و قرار شد بر این مطالعه و دقت بیشتری در جلسات بعد موقوف شود و پس از آنکه با دیگر مورد مطالعه علنی در جلسه یا تصویب قرار گیرد، جلسات تعطیل و قهرا اصل جلسات از بین رفت. علی قدوسی…»^(۳)

پس از کشف اساننامه مهم گروه ۱۱ نفره، اسواک حساسیت زیادی به خرج داد. اعضای جمعیت لو رفتند. آقایان آذری قمی، ربانی شیرازی و منتظری که در زندان بودند، درباره اساننامه، اهداف و فعالیت‌های گروه بازجویی شدند. بقیه اعضا هم یا دستگیر شدند یا تبعید. شهید قدوسی دستگیر و در قزل قلعه حبس شد که کفراتی از بازجویی‌های وی را مرور کردیم. آیت‌الله امینی پس از اطلاع از تحت تعقیب بودن مدت‌ها در قم به‌صورت مخفی زندگی کرد. آیت‌الله سعیدعلی خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تهران مخفی شدند و آیت‌الله حائری نیز مدتی به نجف رفت.^(۴) اطلاع دقیقی از زمان اقامت آیت‌الله حائری تهرانی در نجف در دست نداریم. با این حال ایشان پس از بازگشت به ایران در تهران ساکن شد.

فعالیت‌ها و اقدامات آیت‌الله حائری تهرانی از این زمان به بعد بار ویکرد خدمات اجتماعی و فرهنگی برای طلاب علوم دینی ادامه یافت که در ظاهر فعالیت سیاسی به حساب نمی‌آمد، ولی در حقیقت در مبارزات سیاسی طلاب علوم دینی بسیار تأثیر داشت. این فعالیت‌ها تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه یافت و در ابعادی نیز گسترش و توسعه فراوانی پیدا کرد.

پی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ موجودند.